

مقایسه تمدن اسلامی با تمدن‌های بزرگ جهان بر اساس کتاب‌التعریف بطبقات الامم قاضی صاعد اندلسی

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

احسان میرزا حسینی^۱؛ سید حمید حسینی^۲؛ حامد فتحعلیانی^۳

چکیده

پایه و اساس تمدن بزرگ اسلامی برخلاف سایر تمدن‌ها، بر نگاه ویژه به جایگاه و هدف علوم، فنون و هنر در زندگی مدنی انسان استوار است. **هدف:** بررسی مقایسه‌ای تمدن اسلام با تمدن‌های بزرگ جهان بر اساس کتاب‌التعریف بطبقات الامم قاضی صاعد اندلسی. **روش:** توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای بوده که با استفاده از کتاب‌التعریف قاضی صاعد اندلسی و به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. **یافته‌ها:** مفهوم تمدن اسلامی و اشاره به ملت‌های بزرگ باستانی و متمدن، ارکان مشترک و نیز تفاوت تمدن‌های بزرگ، معیار متمدن بودن از نگاه قرآن کریم و مقایسه تمدن‌های بزرگ و وجه تمایز تمدن اسلامی از شاخصه‌های این پژوهش بود. **نتیجه‌گیری:** تمدن اسلامی تفاوت‌های بنیادین و اساسی با تمدن‌های دیگر داشته و از نظر قاضی صاعد به لحاظ توجه دین اسلام به هدف علم، فن و هنر در زندگی مدنی انسان، مهم‌ترین دلیل برتری تمدن بزرگ اسلامی بر سایر تمدن‌های بشری، نگرش خاص و ویژه‌ی آن به انسان مبتنی بر علم و معرفت دینی است.

واژگان کلیدی: صاعد اندلسی، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن‌های بزرگ جهان، مقایسه تمدن‌ها.

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. ایمیل: eh114_mi@yahoo.com
۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران (نویسنده مسئول). نشانی: همدان، بلوار امام خمینی (ره)، خیابان دانشگاه آزاد، بلوار پروفیسور موسیوند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، شماره: ۰۸۱۳۴۴۹۴۰۵۹. ایمیل: Hoseinihamid2@gmail.com
۳. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، همدان، ایران. ایمیل: hmdftln@gmail.com

الف) مقدمه

مباحث مربوط به تمدن و تمدن‌های جهانی و تمدن اسلامی از مهم‌ترین مباحثی است که در میان اندیشمندان و متفکران مسلمان و غیرمسلمان عصر حاضر از توجه ویژه‌ای برخوردار شده است و صاحبان قلم و اندیشه به سهم خود سعی در شناسایی و معرفی مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن سازی در عصر نوین داشته‌اند ولی اثری از مقایسه تمدنی در اکثر این آثار دیده نمی‌شود درحالی که پرداختن به وجوه تمایز و تفاوت تمدن‌ها بر مبنای مستندات تاریخی برای بیان علل و عوامل برتری تمدن‌ها و شناسایی بزرگ‌ترین و کامل‌ترین تمدن جهانی ضروری به نظر می‌رسد.

در بین اندیشمندان اسلامی علامه قاضی ابوالقاسم صاعد بن احمد بن صاعد بن عبدالرحمن بن محمد بن صاعد بن عثمان بن وثیق تغلبی جیانی قرطبی طلیطلی آندلسی، مورخ و دانشمند مسلمان قرن پنجم هجری، اولین کسی است که در کتاب معروف خود به نام التعریف بطبقات الامم به بررسی تاریخ علم و جایگاه علوم در بین ملت‌های باستانی پرداخته و از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ملت‌هایی نام برده است که دارای تمدن بوده و از جایگاه ویژه‌ای در علوم و فنون و هنر برخوردار بوده‌اند و پس از وی ابن خلدون در مقدمه به صورت واضح‌تری به بحث درباره‌ی تمدن پرداخته است. متفکران غیرمسلمان نیز در دوره‌ی معاصر بحث تمدن و تمدن‌های بزرگ بشری را مورد توجه قرار داده‌اند و حتی از تمدن اسلامی یا عربی هم بحث به میان آورده‌اند که مورخان معروفی مانند ویل دورانت، گوستاو لوبون و جرجی زیدان از این دسته‌اند.

این در حالی است که قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، از یک سو مسائلی مانند عمران و آبادانی، معماری، توسعه کشاورزی، صنعت فلزات، علم، هنر و حکومت که از مهم‌ترین نشانه‌های وجود تمدن هستند را مورد توجه قرار داده، لذا با استناد این نشانه‌ها می‌توان گفت قرآن کریم به وجود تمدن‌های بشری اشاره فرموده است (برای نمونه شعرا آیات ۱۲۳ تا ۱۲۹، یوسف آیه ۴۳، کهف آیات ۸۳ تا ۹۶، سبا آیات ۱۲ تا ۱۶)، و از سوی دیگر، خود پایه‌گذار ظهور و گسترش تمدنی بزرگ‌تر و کامل‌تر به نام تمدن اسلامی شده است و پیامبر اسلام (ص) نیز اولین مؤسس این تمدن جاودان بشری است.

در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که چه تفاوت‌هایی بین تمدن اسلامی و تمدن‌های باستانی و بزرگ جهانی وجود دارد که می‌تواند تمدن بزرگ اسلام را به جهت آن تفاوت‌ها متمایز ساخته و آن را مرکز توجه ویژه اندیشمندان جهان قرار دهد؟

با وجود آثار معروف و متعددی که در مورد تاریخ تمدن و تمدن اسلامی نگاشته شده، در هیچ کدام از آن‌ها به صورت مشخص به بررسی مقایسه‌ای بین تمدن بزرگ اسلامی و دیگر تمدن‌های بزرگ جهان پرداخته نشده است و این پژوهش در صدد است تا بر اساس مطالب نگاشته شده در کتاب التعریف قاضی صاعد آندلسی و با کمک آیات قرآنی مرتبط با موضوع به این سؤال اساسی جواب دهد.

ب) چهار چوب مفهومی

واژه تمدن در لغت از اصل عربی مدینه گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن شهر به کار رفته است (المصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۱۱: ۵۵). در فارسی نیز به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در موارد زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود آمده است (عمید، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۱۵).

به طور کلی واژه‌های المدنیه، الحضرة، الحضارة (طیبیان، ۱۳۹۲: ۲۷۳)؛ و civilization به ترتیب در عربی و لاتین برای رساندن مفهوم تمدن بکار می‌روند.

تمدن در اصطلاح از نظر اکثر نویسندگان تفاوت چندانی ندارد و به طور کلی معنای آن از دیدگاه جهانی نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه یا جوامع ویژه رخ می‌دهد هرچند که ممکن است به لحاظ ماهیت علوم انسانی، تعریف مفاهیمی همچون (تمدن) از نقطه نظر فلاسفه و سیاستمداران و باستان شناسان و... به صورت‌های مختلف و متنوعی بیان گردد و این امر موجب ایجاد ابهام‌هایی در ظاهر گردد.

جرجی زیدان تمدن را عبارت از ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، قوانین و رسومات اجتماعی و ادب و علم می‌داند اما حقیقت تمدن را در راستای خوشبختی یا بدبختی و خوبی یا بدی کسانی می‌داند که در زیر پرچم آن تمدن زندگی می‌کنند (زیدان، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۸). در تعریفی دیگر تمدن عبارت است از خلاقیت فرهنگی خود در نتیجه‌ی وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می‌یابد (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳).

در مورد ارتباط تمدن و فرهنگ نیز از آنجا که مفهوم تمدن با ابعاد مختلف زندگی بشر مرتبط است برخی از نویسندگان به ارتباط تنگاتنگ تمدن و فرهنگ قائل بوده و در تعریف تمدن گفته‌اند فرهنگ بخشی از تمدن است و تمدن فراتر از فرهنگ و شامل آن است، یعنی تمدن عبارت از فرهنگ مرکب با پراکندگی گسترده و یا مرتبه‌ای از فرهنگ پیشرفته است که علوم و فنون و زندگی سیاسی در آن به تکامل رسیده است (سپهری، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۴).

اگر بخواهیم بعد از شهرنشینی به معنای دیگری از تمدن امروزی اشاره کنیم باید بگوییم تمدن هر عصر و منطقه با گرایش‌های ذهنی و روحی و اخلاقی آن ارتباط دارد. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ی سنت‌ها و باورها و آداب و اخلاق فردی و اجتماعی دانست که وجه تمایز اقوام است، می‌توان فرهنگ و تمدن را وابسته به هم دانست که هرگاه افکار و حالات و روحیات و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی تغییر کند تمدن نیز تغییر می‌کند (ولایتی، ۱۳۹۹:۱۹)؛ و تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است (همو، ۱۳۸۴، ج ۱:۲۲).

ج) پیشینه

در مورد تمدن اسلامی که یکی از موضوعات بسیار مهم دینی و سیاسی در عصر حاضر می‌باشد علاوه بر تألیف کتاب‌های پیرامون فرهنگ و تمدن و ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام پژوهش‌های مرتبطی نیز صورت گرفته است در حالیکه بحث‌های مقایسه‌ای در مورد تمدن اسلامی و تفاوت‌های آن با سایر تمدن‌های بزرگ بشری خصوصاً با استناد به منابع تاریخی کمتر انجام گرفته است به‌نحوی که کتاب یا مقاله‌ی مستقلی در مورد مقایسه تمدن اسلام با سایر تمدن‌ها به‌ویژه با استناد بر کتب تاریخی مانند التعریف بطبقات الامم یافت نمی‌شود، اما می‌توان به آثار نگاشته شده‌ای که نزدیک و تا حدودی مرتبط با موضوع مورد بحث هستند به شرح ذیل اشاره کرد:

«مقایسه مبانی تمدن اسلام و تمدن غرب» (خسروی فر، ۱۳۹۶)؛ که به مقایسه دو تمدن اسلام و غرب از نظر مبانی فلسفی و در ابعاد انسان‌شناسی و هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پرداخته و نگاه این تمدن‌ها را به توسعه، اخلاق و خانواده و کار و مفهوم آزادی مورد توجه قرار داده است.

«تعامل تمدن اسلام و غرب» (یعقوبی، ۱۳۸۰)؛ در این مقاله به ذکر مزایای تعامل تمدن اسلام و غرب پرداخته و سپس به بیان تأثیر تمدن اسلام بر اروپا و چگونگی و جلوه‌های این تأثیر در زمینه‌های علمی، طب، فیزیک، هیئت، شیمی، جغرافیا، فلسفه، ادبیات و صنعت پرداخته است.

«واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴)؛ که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق و حکومت مردمی را از شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی دانسته است.

«مبانی معرفتی و عوامل تمدن نوین اسلامی» (خسرو پناه، ۱۳۹۹)؛ در این مورد بیان می‌کند که تمایز تمدن نوین اسلامی و تمدن مدرن در مبانی معرفتی و غایت است و در واقع به ذکر مبانی معرفتی تمدن مدرن و مبانی معرفتی تمدن اسلام و نیز غایت مدنظر این دو تمدن اشاره می‌نماید.

وجه تمایز پژوهش حاضر، مقایسه تمدن تاریخی اسلام با تمدن‌های بزرگ و تاریخی جهان بشر و ذکر دلایل تفوق و برتری تمدن اسلامی با ذکر مصادیق توسعه و پیشرفت علمی آن و با تأکید بر کتاب تاریخی جهان اسلام (التعریف بطبقات الامم قاضی صاعد آندلسی) است.

د) شاخصه‌های تمدن اسلامی

بر اساس آنچه در آثار و بیانات اندیشمندان علوم اسلامی به دست می‌آید، تمدن اسلامی یک نظام و ساختار خاصی از رشد و توسعه است که مبانی و اصول کلی آن را خداوند متعال در منابع دینی تعیین و تشریح نموده است و در یک تعریف دقیق‌تر، تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد (فوزی، ۱۳۹۱). دکتر سید جعفر شهیدی تمدن اسلامی را مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان می‌داند و می‌گوید نباید پنداشت که مظاهر آن همگی برگرفته از قرآن و سنت بوده و دگرگون پذیر نیست و هرچه با گذشت زمان مظاهر تمدن تغییر یابد باز هم باید آن را تمدن اسلامی نامید (صاحب‌الزمانی، ۱۳۵۳).

در یک تعریف دیگر مقام معظم رهبری می‌فرماید تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد (خامنه‌ای، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲).

برخی اندیشمندان علوم انسانی تمدن اسلامی را واقعیتی می‌دانند که در مقاطعی از تاریخ، از جمله قرن سوم تا ششم و همچنین قرن نهم تا یازدهم تحقق پیدا کرده است و دارای مؤلفه‌های است مانند: عقلانیت و فلسفه و علوم و اخلاق و تحقق سلامت و معنویت. لذا تمدن اسلامی مجموعه‌ی دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مسلمانان است که با مبانی اسلامی، اهداف اسلامی و رویکرد اسلامی تحقق پیدا کرده است (خسرو پناه، ۱۳۹۷).

بنا بر نظر پژوهشگران، تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود، که

به وسیله دین رسمی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند (صمدی و همکاران، ۱۳۹۴).

در حقیقت آنچه مسلم است این است که با توجه به ژرف‌نگری دین مبین اسلام در مورد تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر و برنامه‌های منظم و کاربردی آن برای ارتقاء و تعالی سطح کمیت و کیفیت این ابعاد و توجه ویژه به جزئیات زندگی انسانی، می‌توان گفت که قرآن کریم بنیان‌گذار بزرگ‌ترین تمدن تاریخ بشریت به نام تمدن اسلامی است و رسول خاتم الهی، حضرت محمد مصطفی (ص)، نیز اولین پرچم‌دار این تمدن بزرگ است. هر چند که برخی پژوهشگران نوشته‌اند آنچه با عنوان تمدن اسلامی از آن یاد می‌شود نام تمدنی است که حدود ۵ قرن، از قرن ۲ تا ۷ قمری ادامه پیدا کرد (پناهی، ۱۳۹۶)؛ و البته در نظر گرفتن این مفهوم از تمدن اسلامی به این دلیل است که ارتباط نزدیکی بین مکان پیدایش تمدن و زمان ظهور آثار آن وجود دارد و همان‌طور که برخی پژوهشگران نوشته‌اند: عموم تمدن‌ها با نام جغرافیایی محل تولد و رشد و نمو خود خوانده می‌شوند که محدوده‌ای مشخص بوده و البته برداشتی متقابل از نام اقوام ساکن هر سرزمین نیز می‌باشد (جان احمدی، ۱۳۹۸).

ه) وجوه اشتراک و افتراق تمدن‌ها

از آنجا که تمدن مجموعه منظم و دارای ساختاری مشخص است که جامعه را از حالت مادی و معنوی اولیه و ابتدایی به سمت ترقی و رشد و کمال سوق می‌دهد و تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پس می‌توان گفت صرف‌نظر از انواع و اقسام آن، جهان‌بینی متناظر بر آن و نیز فرهنگ و اقلیم جوامعی که تمدن در آن‌ها شکل گرفته، به‌طور کلی تمام تمدن‌ها دارای یکسری ارکان و اجزای مشترک می‌باشند و تفاوت آن‌ها ناظر بر اصل وجود این ارکان نبوده بلکه این تفاوت‌ها ناشی از نوع نگاه، جایگاه و درجه‌ی اهمیت عناصر در آن‌ها و کمیت و کیفیت ابزارهای توسعه و ترقی در تمدن‌ها می‌باشد که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

در هر تمدنی چه دینی و غیردینی و چه غربی و شرقی می‌توان به اهمیت و جایگاه حداقل چهار رکن و عنصر اصلی حکومت (سیاست)، اقتصاد، اخلاق و فرهنگ و هنر اشاره کرد که علم و عقل در خدمت توسعه و پیشرفت این ارکان قرار گرفته است که از نظر اصل وجود این ارکان و (نه میزان پیشرفت و ترقی در آن‌ها) تفاوتی بین تمدن‌ها دیده نمی‌شود. به تعبیر

دیگر شکل‌گیری تمدن و گسترش آن به ارائه و اجرای برنامه‌ها و ایده‌های خلاقانه و مدون برای رسیدگی به این عناصر اصلی دارد.

ویل دورانت ارکان اصلی تمدن‌ها را به‌طور کلی عبارت از چهار رکن اصلی: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی که در گسترش امنیت و نظم اجتماعی مؤثر باشد، سنت‌های اخلاقی، کوشش در راه علم و بسط هنر می‌داند (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳).

بنابراین باید تفاوت تمدن‌ها را در نوع نگرش به انسان و جهان‌بینی حاکم بر جوامعی جستجو کرد که تمدن‌ها از میان آن‌ها شکل گرفته و گسترش یافته‌اند، یا به تعبیر دیگر همان ویژگی‌های اختصاصی تمدن‌ها که آن‌ها را متمایز می‌سازد. در واقع نگاه تک‌بعدی به انسان در جوامع غیر اسلامی باعث شده که تمدن غرب و شرق هرچند در بعد مادیات توجه ویژه‌ای به زندگی بشر داشته و در امور رفاهی، صنعتی، تکنولوژی و علوم تجربی پیشرفت‌هایی داشته است اما در عوض در بعد معنوی دچار بحران و پسرفت‌های محسوسی در زمینه معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، اخلاق و سیاست شده است. «اگر مبادی معرفت‌شناختی، در محور حس و تجربه گرفتار آید و خلاصه شود، با تنزل اصول اخلاقی و ارزشی و با تحقیر عدالت و آزادی، در حقیقت انسان‌شناسی تنزل می‌یابد و تحقیر می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱۵: ۳۵۸).

همچنین تمدن یک معنای عام دارد که فرهنگ جزئی از آن است، یعنی تمدن مجموعه دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بشر است و اگر این تعریف را بپذیریم آنگاه تفاوت تمدن‌ها در مبانی، رویکردها و اهداف باعث می‌شود که انواع مختلفی برای تمدن در نظر بگیریم و از آن به تمدن اسلامی و غیر اسلامی تعبیر کنیم (خسروپناه ۱۳۹۷). از نظر پژوهشگران علوم اسلامی ویژگی خاص تمدن بزرگ اسلامی نسبت به سایر تمدن‌ها مربوط به ماهیت ذاتی آن از بعد انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی و جهان‌بینی آن است.

تمدن اسلامی از بعد انسان‌شناختی چند ساحتی است، از حیث کارکرد دانش محور و پاسخگو است و از حیث رویکرد آینده‌نگر و آرمان‌گراست (صمدی، ۱۳۹۶).

در نتیجه در نگاه تمدن اسلامی، انسان فقط یک موجود متمدن با قوانین متناقض بشری نیست که در زمان حال زندگی می‌کند و با اتکا به آسایش مادی روزگار سپری کند و هدف او رسیدن به واقعیت است! بلکه مخلوقی هدفمند و غایت‌گراست که در سایه‌ی یک تمدن

پویا با قوانین محکم و مستدل الهی به سوی تعالی در حرکت است و هدف او رسیدن به حقیقت است.

و) طبقه‌بندی تمدن‌های بزرگ جهان از نظر قاضی صاعد

قاضی صاعد اندلسی دانشمند و مورخ قرن پنجم در کتاب معروف خود التعریف بطبقات الامم که درباره شناسایی ملل مختلف و طبقه‌بندی آنان بر مبنای توجه به علم و دانش است به نقل از برخی پژوهشگران مانند مسعودی (مسعودی، ۷۷: ۱۳۶۵-۷۵). مردم دنیای باستان را به هفت ملت تقسیم می‌کند که دارای حکومت و قلمرو و زبان و فرهنگ مشخص بوده‌اند و سپس به جایگاه و اهمیت علم و دانش در بین آنها اشاره می‌کند.

او در کتابش نخست همه اقوام و ملت‌های کوهی زمین را بر اساس تفاوت‌های زبانی و قلمرو حکومتی به هفت دسته عمده شامل ایرانیان (ایران)، کلدانیان (عراق و شام و عربستان)، یونانیان، قبطیان (مصر و جنوب آفریقا)، ترک‌ها، هندیان و چینیان، تقسیم کرده و سپس این ملت‌های هفت‌گانه را بر اساس درجه‌های معرفتی که در ادوار تاریخ خود به آنها دست یافته‌اند، یا به تعبیر امروزی بر پایه‌ی توسعه‌ی علمی یا عدم توسعه به دو طبقه کلی تقسیم کرده است. طبقه اول ملت‌هایی که به دانش توجه کرده‌اند و دوم ملت‌هایی که به دانش توجه نکرده‌اند (صاعد آندلسی، ۱۳۸۳: ۹۸-۹۶).

قاضی صاعد قوم عرب و مسلمانان را جزء دسته اول به شمار می‌آورد، یعنی ملت‌هایی که به علوم توجه ویژه داشته‌اند و نیز تأثیرپذیری فرهنگ اسلامی را از فرهنگ یونانی انکار نمی‌کند و همچنین از انتقال اصول علم نجوم از هندیان به مسلمانان سخن گفته است.

صاعد اندلسی به‌طور کلی با اشاره به مواردی چون فرهنگ و هنر، سیاست و مدیریت جامعه، وضعیت اقلیمی و اقتصادی و خصوصاً وضعیت علمی و استفاده از علوم مختلف که از عناصر مهم تمدن ساز هستند، در بین ملت‌های باستانی همچون رومیان، هندیان، ایرانیان و اعراب متذکر وجود پیشرفت تمدنی در میان آنها می‌شود (همو، ۱۰۸-۹۸).

سپس او برای اشاره به ملت مسلمان و تمدن اسلامی از قوم عرب آغاز می‌کند و امت اسلامی را نیز تابع آن قرار می‌دهد، به نظر وی قوم عرب در شناخت زبان و لغت و سرودن شعر و سخنوری تبحر داشتند و مزید بر آن دانای به رویدادها و سرگذشت‌ها و شهرها بودند، نجوم و زمان‌های مربوط به اختران را می‌شناختند هرچند که شناخت آنها از نیاز مایه می‌گرفت و جنبه‌ی علمی نداشت و در نهایت ظهور حضرت رسول اکرم (ص) در میان قوم

عرب از نظر او بزرگ‌ترین نقطه عطف تاریخی عظیمی به شمار می‌رود که تکروان آن قوم را به جمع پیوند داد و گریزندگان ایشان را رام ساخت (همو، ۱۱۰-۱۰۸).

قاضی صاعد معتقد است که با ظهور دین اسلام و پیروی ملت عرب از آن تحول بزرگ تاریخی رخ داد که به تبع آن نتایج و آثاری عظیم از خود برجای گذاشت و همچنین فرهنگ ملت‌های باستانی و پیش از اسلام نیز به همان اندازه که جذب فرهنگ اسلام شدند و به آن خدمت کردند، از هدایت اسلامی برخوردار شدند و در این جذب و انجذابهای فرهنگی، از دین به عنوان عامل برقراری توازن فرهنگی و رشد معرفت و علوم یاد می‌کند و می‌گوید: «اسلام به همه این علوم ملل پیشین جهت داده و آن‌ها را به کمال بیشتر رهبری کرده است» (همو، ۱۱۰)؛ و سپس به سیر تحولی علوم در دوره‌ی خلفای اسلامی پرداخته و حتی در مورد سرزمین خود یعنی آندلس نیز قائل بر این است که تا قبل از فتح توسط مسلمانان از علم و معرفت خالی بوده است و متذکر شده است که دانشوران آندلسی برای دانش‌افزایی و یادگیری علوم پیوسته قلمرو مسلمانان سفر می‌کردند و از آنجا با دست پر برمی‌گشته‌اند (همو، ۱۱۳).

او تاریخ سیاسی و عمومی ملل بزرگ و متمدن بزرگ جهان را در کنار طرح موقعیت جغرافیایی و مسائل علمی و فرهنگی آن‌ها مورد توجه قرار داده و به‌غیراز تمدن هند (به خاطر بعد زیاد مسافتی از هندوستان و عدم اطلاع دقیق در مورد آن) در مورد حکومت‌ها و سیاست تمدن ایران، یونان، مصر، چین، اترک و اسلام بحث‌هایی را به‌اختصار مطرح نموده است و در خلال این مباحث از ظهور آیین مقدس اسلام و توسعه و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی و سیر صعودی آن تا رسیدن به نقطه اوج و سپس سیر نزولی آن تا زمان خود، بحث کرده است. بحث‌های او در مورد تاریخ سیاسی قوم عرب مفصل و کامل‌تر است و از مبعث حضرت رسول (ع) به عنوان یک نقطه عطف تاریخی عظیم در میان قوم عرب یاد کرده و شمه‌ای از تعالیم آن حضرت را بیان و سپس به بیان اجمالی تاریخ خلفای راشدین، امویان و عباسیان پرداخته است (همو، ۱۱۹).

البته باید این نکته اضافه شود که سیر نزولی تمدن اسلامی آن‌گونه که قاضی صاعد اشاره کرده انحطاط پایان راه تمدن اسلامی نبود، چراکه بر اساس گفته پژوهش‌گران علم تاریخ، تمدن اسلام گرچه با حملات صلیبیان، مغولان و سقوط آندلس و مشکلات داخلی جهان اسلام دچار انحطاط شد، ولی در عهد صفویان، عثمانی‌ها و گورکانیان مجدداً رونق گرفت (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴).

نکته مهمی که در خلال مباحث کتاب التعریف بطبقات الامم به چشم می‌آید این است که ملاک و معیار طبقه‌بندی تمدن‌های بزرگ جهانی و عوامل رشد و پیشرفت آن‌ها در زمینه‌های مختلف، از نظر صاعد اندلسی بحث علم و جایگاه علمی است، تا حدی که اقوام باستانی را به دو گروه و طبقه کلی تقسیم می‌کند و از آن مهم‌تر اینکه دین اسلام را به‌عنوان عامل اصلی تقویت و اصلاح فرهنگ و پیشرفت‌های علمی و بارور شدن کتب علمی می‌داند. از آنجاکه تمدن اسلامی مبتنی بر دین اسلام است و دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دینی که برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر برنامه دارد، در قالب آیات و روایات به دست بشر رسیده است می‌توان با تأمل در این گزاره‌ها (آیات و روایات) به تفاوت‌های اساسی و ماهیتی تمدن اسلامی با تمدن‌های بزرگ بشری در طول تاریخ اشاره نمود.

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی دین اسلام در بسیاری از آیات به نشانه‌های از وجود تمدن‌های بشری همچون عمران و آبادانی (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۴۲۰). معماری و هنر (شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۴۸۱). صنعت و معدن (کهف/۹۶-۹۴). حکومت و فرمانروایی (قصص/۳۸)؛ و توسعه مدنی (ص/۳۸-۳۵). اشاره می‌کند و اما ارزش واقعی و حقیقی تمدن‌ها را در به‌کارگیری علم و حکمت، سیاست و حکومت، هنر و اقتصاد برای ارتقای اخلاق انسانی، بندگی و عبودیت تا رسیدن به کمال واقعی بشر ذکر می‌نماید؛ یعنی قرآن کریم هر نوع توسعه و رشد در امور مادی و علمی تمدن‌ها را به معنای برتری و پیشرفت آن‌ها نمی‌داند، بلکه تمدنی را برتر و پیشرفته می‌داند که هدف و مسیر حرکت‌های فردی و اجتماعی در آن با قوانین دینی و دستورات الهی منطبق بوده و یا وفق بیشتری دارد (انعام/۷۰).

درواقع قرآن کریم با نوع نگرش منحصر به خود در مورد انسان، بالاترین ارزش تمدن‌ها را در مسئله اثرگذاری بر زندگی نوع بشر می‌داند، به شکلی که پیشرفت‌های زندگی مادی او را زمینه‌ای برای تحول عظیم معنوی در سایه علم و حکمت الهی قرار دهد. قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند به گونه‌ای ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان‌شده در کلام وحی در جوامع مسلمان به اجرا در نیامده است (العبد الخانی، ۱۳۹۶: ۱۳).

همین معنا را می‌توان در سخنان معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران دید که می‌فرماید: «در چندین قرن ممالک اسلامی بهترین کشورها را تشکیل و بالاترین تمدن را به جهان نشان دادند. خوب است دست کم کتاب گوستاولوبون و کتاب تاریخ تمدن اسلام را ببینند. بآنکه

در آن کتاب‌ها نیز از تمدن اسلام خبری نیست مگر به قدر فهم مصنف آن‌ها و مانند آن‌ها از تمدن اسلام، طاق‌های نقاشی و ظروف چینی و بناهای مرتفع و پرده‌های قیمتی را فقط می‌فهمند، با آنکه این‌ها و صدها مانند این‌ها در تمدن اسلام، جزء حساب نمی‌آید» (امام خمینی، ۲۷۳: ۱۳۷۸-۲۷۲).

ز) مقایسه تمدن‌ها از دیدگاه صاعد آندلسی

مهم‌ترین و بارزترین تفاوت تمدن اسلامی با تمدن‌های بزرگ برخوردار از غرب و شرق، ریشه داشتن تمدن اسلامی در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) و عترت ایشان است و همین مسئله در تعالیم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن تأثیرگذار بوده و به‌عنوان یک امتیاز ویژه باعث شده تا نگرش مسلمانان برخلاف دیگر امت‌ها به زندگی مدنی و پیشرفت‌های آن فقط معطوف بعد مادی و آسایشی بشر نباشد بلکه در ورای مسائلی چون نژادپرستی، تعصبات جاهلی، علم‌گرایی مطلق، سودجویی و استثمار، اخلاق و انسانیت را به‌حد اعلا رسانده و با تولید و به‌کارگیری علوم و فنون و هنر، ساختاری زیبا و ماندگار از مدنیت ترسیم نمایند که در آن ساختار خبری از رویکرد اومانیستی و نیهیلیستی دیده نمی‌شود.

به نظر برخی پژوهشگران، مهم‌ترین نقاط ضعف و آفات تمدن‌های غیردینی که موجب انحطاط و زوال آن‌ها می‌گردند عبارتند از: دوری از خدا و شرک، تعصب نژادی، اختلاف طبقاتی، حرص آزمندی، نفاق و نادیده گرفتن حق مستضعفان که همه این موارد موجب دوری از کانون وحدت‌گرایی و نهایتاً جایگزینی استعمار و استثمار با خیرخواهی و جلوگیری از برقراری عدالت اجتماعی می‌شود، در مقابل تمدنی که اساس آن بر بنیاد دین قرار گرفته است از این آفات مصون می‌ماند (فتحعلیانی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۴).

همچنین پژوهشگران مسلمان شاخصه‌های تمدن اسلامی را متفاوت از سایر تمدن‌ها شامل محوریت قوانین قرآن، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، رفاه، اقتصاد سالم، تلاش و ابتکار، ارتباطات و زمان‌شناسی در فقه و سیاست برشمرده‌اند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

قاضی صاعد آندلسی نیز به‌منظور مقایسه تمدن‌های بزرگ متذکر می‌شود که بعد از جدایی ملت‌های متمدن باستانی و استقلال آن‌ها در روش‌هایشان، به‌طور کلی به دو طبقه تقسیم می‌شوند، دسته‌ای که به علم اهمیت داده و خود تولیدکننده علم بوده‌اند مانند هندیان، ایرانیان، کلدانیان، یونانیان، رومیان، مصریان، اعراب (مسلمانان) و طبقه‌ای که توجهی به علم

و دستاوردهای آن نداشتند مانند چینیان، ترکان، حبشیان، روس‌ها و... که با وجود داشتن حکومت‌ها و سرزمین‌های بزرگ و پیشرفته به علوم توجهی نداشتند و تفوق برتری آن‌ها بر تمدن‌های دیگر در ساخت مسکن، استوارکاری در صنایع عملی، مهارت در حرفه‌های تجسمی، مهارت در جنگ‌ها و ساخت ابزارآلات جنگی، تربیت اسب‌ها و مهارت در شمشیرزنی و پرتاب نیزه است و اما طبقه اول یعنی تمدن‌هایی که به علوم توجه داشته‌اند، (هرچند که در بسیاری از زمینه‌های علمی مانند نجوم و پزشکی و ریاضی و هنر و فلسفه مطرح بوده‌اند)، همت مردمان را به سوی فضیلت‌های نفس ناطقه معطوف کرده‌اند که سازنده نوع انسان و مقوم ذات اوست و به خاطر همین اهداف والا و امتناع از همانندی مردمان با جانوران و شناخت کمال مطلوب انسان‌ها، مردمان آن‌ها برگزیدگان ملت‌ها شده‌اند (صاعد آندلسی، ۱۸۵: ۱۳۸۳-۱۷۳).

از نظر قاضی صاعد ملت مسلمان (اعراب) که جزو طبقه دوم محسوب می‌گردند، قبل از ورود اسلام در نزد ملت‌ها از لحاظ بلند منشی و ارجمندی مشهور بودند، صاحبان شرافت کهن و عزت قدیم و شاهی پابرجا بودند و بر شهرها استیلا یافته بودند، از طریق کشاورزی و کشت درختان خرما و پرورش چهارپایان و با سفرهای تجاری زندگی می‌گذراندند، در کلام تبحر داشتند و وقت‌های طلوع و غروب اختران را می‌شناختند و دانشمند مشهوری در میان آنان نبود، اما زمانی که خداوند دولت را به هاشمیان داد و حکومت را نصیب ایشان گردانید (منظور بعد از تسلط اسلام است)، همت‌ها از غفلت زدگی بیدار شد و هوشمندی‌ها از خواب برخاست (همو، ۲۳۸-۲۲۶).

او معتقد است در دولت عباسیان و در زمان خلافت دومین خلیفه، ابوجعفر منصور عبدالله بن محمد بن علی بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم (معروف به منصور دوانیقی)، برای نخستین بار به علوم فلسفه و نجوم و فقه شده توجه شده است (همو، ۲۳۸)؛ و البته این دوره مصادف با زعامت و رهبری علمی شیعیان توسط امام جعفر صادق (ع) و شاگرد پروری ایشان خصوصاً در علم فقه می‌باشد.

ح) نتیجه‌گیری

بر اساس مستندات تاریخی و قرآنی پس از تشکیل اجتماعات اولیه بشری و بهره‌مند شدن از نعمت‌های مادی و پیشرفت در علم، صنعت، سیاست و هنر تمدن‌های باستانی شکل گرفته و گسترش یافتند، مردمان در ذیل پرچم آن تمدن‌ها به نوعی از رشد و توسعه دست یافتند و هر کدام دوران زوال یا اوج خود را سپری کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بزرگ

جهانی که دوران شکل‌گیری آن از زمان نزول دین اسلام شروع شد و مورد توجه اندیشمندان حوزه تاریخ در غرب و شرق قرار گرفته تمدن بزرگ اسلام است که امروزه شاهد طرح مباحث نوین از سوی اندیشمندان علوم دینی و توجه ویژه به آن هستیم.

با توجه به مشترکات تمدن‌های بزرگ جهانی، مقایسه تمدن بزرگ اسلام با سایر تمدن‌ها امری ضروری است که در این پژوهش با استناد به آیاتی از قرآن کریم و با نگاهی ویژه به دیدگاه قاضی صاعد آندلسی از اندیشمندان جهان اسلام در قرن پنجم هجری شمسی، به عنوان نخستین مورخی که پیشرفت‌های مادی و معنوی و ساختارهای مدنی ملت‌های بزرگ جهان را مورد توجه قرار داده و کتابی ارزشمند به نام التعریف بطبقات الامم را از خود بجای گذاشته است، به این نتیجه می‌رسیم که او با تأکید بر دو مطلب مهم در مورد اعراب مسلمان به برتری، جامعیت و کامل بودن تمدن اسلام نسبت به سایر تمدن‌های بزرگ جهانی اشاره می‌کند، یکی اهمیت و توجه خاص آنان به علم نفس و علوم انسانی، دوم بارور کردن علوم مختلف به وسیله معرفت دینی و سوم تولید علم و اثرگذاری بر علوم در بین سایر ملت‌های بزرگ قبل از خود و در نهایت صدور علم بارور شده با معارف اسلامی به سایر نقاط جهان. آنچه از نظر اندیشمندان و پژوهشگران علوم اسلامی مسلم است اینکه تفاوت بنیادین و اساسی تمدن‌ها به نوع جهان‌بینی حاکم بر آن‌ها، نگرش معرفت‌شناختی و نیز انسان‌شناختی آن‌ها برمی‌گردد که قاضی صاعد آندلسی با شرح حال مسلمانان در واقع برترین نوع نگرش به انسان، علم و معرفت و دین اسلام را به عنوان منشأ این نوع نگرش به ملت مسلمان اختصاص می‌دهد.

مسئله مهم دیگری که در کتاب التعریف بطبقات الامم به آن اشاره شده تقسیم‌بندی ملل بزرگ جهان بر مبنای درجات معرفتی و توسعه علمی به دو طبقه کلی و ذکر دلایل زوال و انحطاط یا اوج و بالندگی تمدن‌های آنان است که این زوال و اوج، با غنای علوم و معارف در بین آن‌ها و تأثیر این علوم در رشد و بالندگی تمام ابعاد وجودی مردمانشان ارتباط مستقیم دارد. قاضی صاعد آندلسی اصل و اساس شکل‌گیری تمدن‌های غیر اسلامی را بر پایه‌ی نیازهای حیوانی دانسته و می‌گوید مردمان آن‌ها اندیشه‌های خود را در حکمت بکار بسته و جان‌های خود را به یادگیری فلسفه ریاضت نداده‌اند، از نظر او به طور قطعی فقط خردورزی و جلوه‌های آن تنها عامل جداکننده انسان از حیوان است در حالیکه اصل خردورزی و معرفت‌اندوزی در بین ملل متمدن مسلمان امری نمایان است که در فرهنگ و اخلاق و روش برخورد آنان با زندگی خود را نشان داده است. به نظر او همانند آنچه در تعالیم دینی آمده

است پیشرفت در صنعت و هنر و مدنیت، نشانه بالندگی و رشد نیست و متضمن اوج و دوام تمدن نخواهد بود بلکه این آموزش انسانیت و پرورش نفس و استفاده از علوم و هنر برای این هدف است که ملل را به کمال و رشد انسانی در خور، سوق می‌دهد و گسترش و دوام تمدن را تضمین می‌کند و این ویژگی، مهم‌ترین دلیل تفوق و برتری تمدن بزرگ اسلامی بر سایر تمدن‌های جهان است که موجب گسترش و جاودانگی آن است.

در پایان این پژوهش، با توجه به وجود منابع دست اول و معتبر دینی و تاریخی در حوزه تمدن بزرگ اسلامی پیشنهادهایی به این شرح ارائه می‌گردد:

۱. پیشنهاد می‌شود که نویسندگان و پژوهشگران جوان با استناد به منابع دینی و کتب تاریخی جهان اسلام تمدن بزرگ اسلامی را با سایر تمدن‌ها مقایسه نموده و امتیازات و برتری‌های آن را برای جهانیان بیان نمایند.
۲. سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیما جمهوری اسلامی با استفاده از نظر محققان و صاحب‌نظران حوزه تاریخ، جامعه‌شناسی و روانشناسی، نسبت به تولید محتوا و آثار هنری به‌منظور فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه مناسب برای ترویج تمدن نوین اسلامی پردازند.
۳. به مراکز دانشگاهی، حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گردد در راستای تحقق شعار بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه جامعه اسلامی مبنی بر شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی گام‌های مؤثرتری برداشته و با سرمایه‌گذاری بیشتر در رشته‌های تخصصی مانند تاریخ اسلام و تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، نسبت به آموزش نسل‌های آینده تلاش نمایند و برای این کار از شیوه‌های نوین آموزشی غفلت نمایند.

منابع

قرآن کریم

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر.
- طیبیان، سیدحمید (۱۳۹۲). **فرهنگ فرزانه فارسی-عربی**، تهران، فرزانه روز.
- آندلسی، قاضی ابوالقاسم صاعد بن احمد بن صاعد آندلسی (۱۳۸۳). **التعریف بطبقات الامم**، ترجمه غلامرضا جمشید نژاد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام (۱۳۹۴). تهران، امیرکبیر.
- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۷). **سلسله مباحث تمدن اسلامی (۱)**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دورانت، ویل- آریل، **درآمدی بر تاریخ تمدن و درس‌های تاریخ**، ترجمه احمد بطحایی، خشاریار دیهیمی، محمود صاحب (۱۳۸۵). انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- سپهری، محمد (۱۳۹۱). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران**، شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۸). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم، نشر معارف.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۹). **فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم، نشر معارف.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، جلد ۱، تهران، وزارت امور خارجه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). **حیات حقیقی انسان در قرآن**، قم، اسراء.
- ناصرالدین صاحب‌الزمانی، محمدحسن (۱۳۵۳). **سهم اسلام در تمدن جهانی**، تهران، بعثت.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی (۱۳۷۸). قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۸). **کشف الاسرار**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مسعودی، علی بن حسین، **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده (۱۳۶۵). تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۹۳۶ ♦ مقایسه تمدن اسلامی با تمدن‌های بزرگ جهان بر اساس ...

- فتحعلیانی، حامد (۱۳۹۰). **درآمدی بر تاریخ اجتماعی تمدن اسلامی**، همدان، انتشارات خواجه رشید.
- فوزی، یحیی، صنم زاده، محمد رضا (۱۳۹۱). «**تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)**». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ش ۹، ۳۳ ص، قم، دانشگاه معارف.
- صمدی، روح‌الله، فتحعلیانی، حامد، جعفرآبادی، فاطمه (۱۴۰۰). «**بررسی نقش انقلاب اسلامی در گفتمان اسلامی و احیای تمدن اسلامی**». همایش ملی انقلاب اسلامی - کارآمدی - فرصت‌ها و چالش‌ها، ۳۸ ص، تبریز.
- پناهی، اسماء (۱۳۹۶). «**مفهوم شناسی تمدن اسلامی و شاخصه‌های آن**». همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، ۲۳ ص، مشهد، جامعه المصطفی‌العالمیه.
- صمدی، علی قنبر (۱۳۹۴). «**ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز**». مجله پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۴، ۲۲ ص، پایگاه مجلات تخصصی نور.
- اکبری، مرتضی، رضایی، فریدون (۱۳۹۴). «**واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری**». فصلنامه مطالعات الگویی پیشرفت اسلامی ایرانی، ش ۵، ۲۳ ص، تهران، سازمان بسیج اساتید.
- العبد الخانی، ساجده (۱۳۹۶). «**نقش قرآن در شکوفایی تمدن اسلامی**»، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، ۱۳ ص، مشهد، جامعه المصطفی‌العالمیه.
- عبدالملکی، هادی، نظامی پور، قدیر، عشایری، طاها (۱۳۹۷). «**نظریه گذار تمدن به‌مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی**». دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی، ش ۱، دوره ۱، ۳۷ ص، تهران، دانشگاه شاهد.

- **The Holy Quran.**
- Akbari, Morteza, Rezaei, Fereydoun (2015). “**Analysis of the characteristics of modern Islamic civilization in the thought of the Supreme Leader**”. Iranian Islamic Progress Pattern Studies Quarterly, Vol. 5, p. 23, Tehran, Teachers' Basij Organization.
- Amid, Hassan (2011). **Farhang Farsi Amid**, Tehran, Amirkabir.

- Andalusian, Judge Abu al-Qasim Sa'id ibn Ahmad ibn Sa'ed Andalusian (2004). **Definition of classes of nations**, translated by Gholamreza Jamshid Nejad Aval, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Durant, Will-Ariel, **An Introduction to the History of Civilization and the Lessons of History**, translated by Ahmad Batahi, Khashayar Deihimi, Mahmoud Sahib (2006). Scientific and cultural publications, Tehran.
- Fath Aliiani, Hamed (2011). **An Introduction to the Social History of Islamic Civilization**, Hamedan, Khajeh Rashid Publication.
- Fawzi, Yahya, Sanamzadeh, Mohammad Reza (2012). **“Islamic civilization from the perspective of Imam Khomeini (P.B.U.H)”**. Journal of History and Culture of Islamic Civilization, Vol. 9, p. 33, Qom, University of Education.
- Imam Khomeini (P.B.U.H), Seyyed Ruhollah (1999). **Kashf al-Asrar**, Tehran, Imam Khomeini Publishing House.
- Jan Ahmadi, Fatemeh (2018). **History of Islamic Culture and Civilization**, Qom, Maaref Publishing.
- Javadi Amoli, Abdullah (2003). **The real life of man in the Qur'an**, Qom, Asra'.
- Khosropanah, Abdolhossein (2018). **Series of topics of Islamic civilization (1)**, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Makarem Shirazi, Nasser and a group of writers (1995). **Tafsir Nemūneh**, Qom, Islamic Library.
- Masoudi, Ali Ibn Hussein, **Al-Tanbiyyah wa Al-Ashraf**, translated by Abu al-Qasim Payende (1986). Tehran, Scientific and Cultural Publication.
- Mustafavi, Hassan (1989). **Investigation in the words of the Holy Quran**, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Naser al-Din Sahib al-Zamani, Mohammad Hassan (1974). **The role of Islam in world civilization**, Tehran, Besat.
- Panahi, Asma (2017). **“The concept of Islamic civilization and its characteristics”**. International Conference on the Rereading of Islamic Civilization and the World of the Spiritual City with Emphasis on the Holy City of Mashhad, p. 23, Mashhad, Al-Mustafa International Society.
- Samadi, Ali Ghanbar (2015). **“Cultural and Civilizational Characteristics of the Age of Emergence and Its Model Role in Underlying Culture and Civilization”**. Journal of Mahdavi Research, vol. 14, p. 22, Noor specialized journals database.
- Samadi, Ruhollah, Fath Aliiani, Hamed, Jafarabadi, Fatemeh (2021). **“Study of the role of the Islamic Revolution in Islamic discourse and the revival of Islamic civilization.”** National Conference of the Islamic Revolution - Efficiency - Opportunities and Challenges, p. 38, Tabriz.
- Sepehri, Mohammad (2012). **History of Islamic Culture and Civilization**, Tehran, Planning Council of Sunni Religious Schools.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein, **Tafsir Al-Mizan**, translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani (1999). Qom, Islamic Publications Office.
- Tabibian, Seyed Hamid (2013). **Farzan Farsi-Arabic Culture**, Tehran, Farzan Rooz.

- Velayati, Ali Akbar (2005). **The Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization**, Volume 1, Tehran, Ministry of Foreign Affairs.
- Velayati, Ali Akbar (2020). **Islamic Culture and Civilization**, Qom, Maaref Publishing.
- Zidane, George (2015). **History of Islamic Civilization**, translated by Ali Javaher Kalam. Tehran, Amirkabir.

